

پرسمان سیاسی

ویژه همایش سراسری

اقتدار عاشورایی بسیج، سپاهیان محمدرسول الله ۲

مهر ۱۳۹۷

اشاره

همایش ها و کنگره های ملی تاثیر روانی و ذهنی خوبی در قدرت انسجام بخشی و مانور قدرت ملی دارد و می تواند ضمن آموزش توانمندی ها، ضریب همبستگی ملی و وحدت را در شرایط حساس کنونی افزایش دهد و در خنثی سازی بخشی از طراحی ها و توطئه چینی های دشمنان نقش آفرینی نماید.

از منظر رسالت هدایت و تحلیل سیاسی، این همایش ها فرصت مغتنمی است برای در میان گذاشتن سوالات و شبهات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی که امروز در راس فعالیت های دشمنان در راستای فشار روانی و زمینه سازی برای اعمال و تحقق فشار اقتصادی قرار گرفته است. بصیرت افزایی و نمایاندن راه درست عبور از شرایط و پاسخ منطقی، اقناعی و تحریض کننده به این که همگان در این برهه خطر احساس مسئولیت نمایند، باید در کانون توجه عزیزانی قرار گیرد که رسالت مهم هدایت گری سیاسی را بر عهده دارند.

۱- وضعیت آینده کشور را با توجه به مشکلات اقتصادی چگونه می بینید؟

ترسیم آینده مطلوب مقوله ای است که در مباحث آینده پژوهی کاربرد دارد. آینده مطلوب در بین آینده های محتمل و ممکن بهترین آینده است که انسان ها با مطالعه گذشته و دو آینده محتمل و ممکن تلاش می کنند آن را بسازند، یعنی اتخاذ سیاست ها و راهبردها در حوزه فردی و اجتماعی باید به گونه ای باشد که شما در پرتو سناریوهایی علمی و مطالعه روندها و فرایندها به تحقق آن باور داشته باشید و زمینه های عملی آن را فراهم نمایید.

در خصوص آینده کشور با توجه به مشکلات پیش رو باید متذکر این نکته شویم که اگر ما به نقاط قوت، مزیت ها و امکانات داخلی و قدرت بومی خود توجه کنیم و بر مسیر سیاست های درست حرکت کنیم و از فرصت هایی که محدودیت های دشمنان انقلاب نظیر وضعیتی که امروز جبهه مقابل انقلاب و مقاومت در منطقه پیدا کرده و بعد از هفت سال نتوانسته به رغم تجمیع همه نیروهای خود به اهداف و سیاست های خود در منطقه جامه عمل بپوشاند، خوب استفاده کنیم می توانیم امیدوار به عبور از این وضعیت باشیم؛ چرا که کشور ما با مزیت هایی چون موج جمعیتی جوان، تحصیل کرده، دارای تخصص و متعهد به عزت و استقلال ایران، وسعت سرزمینی با امکانات و ظرفیت های چهار فصل کشاورزی، بسترهای تامین امنیت غذایی چندصد میلیون نفری در داخل، دسترسی به نقاط استراتژیک و سوق الجیشی در آب های متصل به آب های آزاد و خلیج فارس، مزیت داری در انرژی و معادن چندین فلز گرانبها و ... کشوری محاصره ناپذیر است و تجارب گرانقدر ما در دور زدن تحریم ها کشور ایران را تحریم ناپذیر کرده است.

مسئلاً ایجاد این شرایط منوط به تغییر رویکردها و سیاست‌ها و عزم جدی در اقدامات و کارکردهاست. اگر مدیریت درست و انقلابی، رسیدگی قاطعانه به دعاوی فساد اقتصادی و مفسدان به ویژه پدیده آقازادگی و رانت خواری‌ها و برخورداری از ویژه خواری‌ها، تجمع توان‌ها در مسیر بیرون رفت از مشکلات به جای کارشکنی، توجه به اقتصاد مقاومتی، توجه ملی به تولید داخلی و تحریم اجناس خارجی، کاهش بیکاری و راه اندازی اشتغال‌های جدید دانش بنیان، مبارزه با تبعیض و گرانی، تشدید نظارت بر امور خدماتی مردم در ادارات و کاستن از نارضایتی مردمی و ... توجه کنیم می‌توانیم به حکم آیه ۳۰ سوره فصلت «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة و...» در صورت پایداری بر مقاومت و باور به مسیر و آرمان‌های انقلابی امام و رهبری مشمول عنایات و تاییدات الهی شویم و مانند تمام بزرگان‌ها و شرایط خطیر که به فرموده امام راحل دست غیبی الهی این انقلاب و ملت ایران را به سلامت به ساحل نجات رسانده، این بار نیز از شرایط خطیر عبور نماییم.

۲- آیا امیدی به عبور از این وضعیت وجود دارد؟ مولفه‌های امیدبخش کدامند؟

مطابق با رهیافت و روانشناسی دینی، انسان موجودی همیشه امیدوار است و در ادبیات قرآنی ناامیدی از رحمت الهی از کیدها و اغواهای شیطانی بشمار می‌آید. امروز دشمنان انقلاب در راس آنها آمریکا نیز در پرتو جنگ روانی به دنبال سیاه نمایی از وضعیت داخلی و ایجاد و تعمیق این تلقی غلط است که کارهای در ایران به گونه‌ای به هم گره خورده و از دست مسئولان در رفته که نظام اسلامی و دولت قادر به سامان امور نیستند.

در مقابل ما باید با فهرست نقاط امید بخش و فرصت‌های موجود که در اثر برآورد صحیح از وضعیت خود و دشمن و راهی که قرار است طی شود، به دست می‌آید به زمینه‌های عینی امیدبخش در ساختار کشور و زیرساخت‌های خوبی که در طول این چهار دهه ایجاد شده و انقلاب اسلامی، ایران عقب مانده در گذشته را در عرض چهل سال به کشوری توسعه یافته و دارای رتبه‌های محیرالعقول جهانی در برخی حوزه‌های علمی و فناوری و خدماتی تبدیل کرده اشاره کنیم. تجارب موفقیت‌های ما در ایستادگی در مقابل آمریکا و دشمنان انقلاب اسلامی در طول این چهار دهه از یک سو، و امکانات و ظرفیت‌های مغفول و به تعبیر رهبری استفاده نشده داخل کشور از سوی دیگر حاکی از این واقعیت است که ما از برگ‌های زیادی برای عبور از این مرحله و مقاومت و مقابله با آمریکایی‌ها و جبهه متلف با آن از رژیم صهیونیستی گرفته تا ارتجاع عربی منطقه برخوردار هستیم که بررسی برخی از این مؤلفه‌های قدرت داخلی برای خنثی سازی توطئه‌های دشمنان امیدوارکننده است.

۱- تقویت باور و ایمان‌ها به نتیجه بخش بودن استقامت؛ اگر در مصاف با مشکلات تحت تأثیر فشارهای روانی قرار نگیریم و به «ان تنصروا الله ینصرکم» و «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا» ایمان بیاوریم، نصرت و تأیید الهی را جلب خواهیم کرد. تقویت حصار و باروی ایمان‌مان باطل السحر فشار روانی است.

۲- اتحاد و انسجام ملی؛ اینکه دشمن اعتراف می کند دنبال فروپاشی اجتماعی و سیاسی ایران است و وزیر امور خارجه کشورمان هدفگذاری دشمن را ایران می داند، ضرورت وحدت و انسجام ملی را بیشتر می کند. در واقع، فراتر از جنگ با انقلاب اسلامی یا نظام اسلامی آنها دنبال ضربه زدن به ملت ایران و تکرار وقایعی مانند کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ هستند که ضربه به دولت ملی و منافع ملت ایران در آن مقطع بود. لذا باید بدانیم شرایط فعلی تاب تحمل تنش ها و اختلافات طبیعی و کم ارزش سیاسی از قبیل مقصر جلوه دادن دیگران، فشار برای استعفا ریاست جمهوری و کلید زدن روند استیضاح ها بدون در نظر گرفتن مصالح و شرایط را ندارد و باید دعوای جناحی و سیاسی درون گروهی متوقف شود. ایجاد گونه های مختلف شکاف از جمله شکاف در حاکمیت، شکاف بین مردم و مسئولین، شکاف بین مردم از عواملی است که در دستور کار دشمن قرار دارد.

۳- شرایط موجود قابل عبور است؛ تمام کارشناسان اقتصادی و سیاسی معتقدند موقعیت ویژه سرزمینی از حیث سوق الجیشی و اشراف بر آبراه های مهمی مانند تنگه هرمز، موج جمعیتی هشتاد میلیونی، وسعت جغرافیایی و همسایگی با آب های بین المللی آزاد و ۱۵ کشور دنیا که ایران را به کریدور اتصال شرق به غرب و شمال به جنوب تبدیل کرده و منابع سرشار نفت و گاز که جمعاً مقام اول در بین کشورهای دارنده ذخایر انرژی را برای ما به ارمغان آورده، حاکی از این است که اگر اراده و مدیریت قوی برای انسجام بخشی را در داخل دنبال کنیم، می توانیم در مقابل دشمنان ایستادگی کنیم و از این مرحله عبور نماییم. اساساً کارشناسان معتقدند ایران با ویژگی های ذکر شده قابل محاصره نیست و سرانجام راهی را برای دور زدن تحریم ها و مشکلات خود پیدا می کند.

همچنین صندوق بین المللی پول در ارزیابی ماه مارس (فروردین ۹۷) خود ذخیره ارزی دولت ایران را ۱۱۲ میلیارد دلار تخمین زده که به صورت مازاد حساب جاری است و این رقم نشان می دهد که تهران فشار تحریم های دور جدید آمریکا را پشت سر خواهد گذاشت.

۴- توجه به تولید و کالای داخلی؛

۵- تنظیم بسته هایی برای مقابله و خنثی سازی تحریم ها؛ این بسته ها می تواند تنوع و تعدد داشته و اولویت های نیازهای مختلف کشور را پوشش دهد. مجلس بسته حقوقی، دولت بسته اجرایی و نهادهای قضایی و دیگر نهادهای کشور بسته های ویژه مأموریت خود برای شرایط ویژه داشته باشند.

۶- تحرک عملیاتی دستگاه دیپلماسی برای تعامل با کشورهای مختلف به جز آمریکا؛ تقویت دیپلماسی با «شرق و غرب» در دیدار اخیر رهبری با دولتی ها مورد تأکید قرار گرفت: «به جز موارد معدودی همچون آمریکا، روابط کشور با شرق و غرب باید هر چه بیشتر تقویت شود و تحرک عملیاتی و هدفمند دیپلماسی افزایش یابد.» آمریکا تنها بازیگر جهان نیست، ایران می تواند این تعامل های دوسویه و مثبت را با همسایگان، کشورهای اروپایی و کشورهای شرقی

تحکیم کند. امروز جهان از رفتارهای شالوده‌شکنانه ترامپ خسته است و به شدت در مقابل آنها واکنش نشان می‌دهد. وعده‌های چینی‌ها، ترک‌ها، هندوها و روس‌ها برای خرید نفت ایران و تقویت و افزایش سطح تراز تجاری و بازرگانی با ایران بسترهای مناسبی است که باید تقویت شود.

۷- تجربه ایران در دور زدن تحریم‌ها؛ ایران توانایی سازگاری با تحریم‌ها را دارد. دولت ترامپ معتقد است اگر آمریکایی‌ها بخواهند فشار شدیدی در بلندمدت علیه ایران وارد سازند، ایران با تجربه‌ای که در این چهار دهه بدست آورده است خواهد توانست خودش را به تدریج با این شرایط سازگار کند و راه‌هایی را برای تعدیل فشار و دور زدن فشارها پیدا کند و عملاً از ماه‌های هفتم - هشتم از فشار تحریم‌ها کاسته خواهد شد. آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانند ایران تحریم‌ها را دور می‌زند، زیرا در سال‌های ۹۰ تا ۹۲ این شرایط را تجربه کرده‌اند. ضمن این که با بررسی مقایسه‌ای شرایط فعلی با وضعیت پیچیده در آن سال‌ها که پرونده ایران در شورای امنیت سازمان ملل بود و از حیث اجماع جهانی علیه ایران شرایط اضطراری حاکم بود، اما الان این طور نیست و مضاف بر آن، با تصویب قانون ایستادگی اروپایی‌ها در مقابل آمریکا مدیریت تحریم‌ها به مراتب سهل‌تر از گذشته شده است. یکی از مسئولان سابق حوزه انرژی در این راستا با توجه به تجربه دور زدن تحریم‌ها و انتقال ارز و دلار با چمدان به داخل کشور معتقد است؛ در شرایط اضطراری می‌توانیم با ۴۸ میلیارد دلار و تنها با صادرات روزی یک میلیون بشکه نفت کشور را اداره کنیم ما با تجاری‌سازی که داریم این مقدار را به راحتی می‌توانیم وارد کشور کنیم. همچنین بررسی کارشناسی نشان می‌دهد که دو سوم تحریم‌های آمریکا بر روی کشورها هیچ تأثیری نداشته است. به همین دلیل امریکایی‌ها طرح هوشمندسازی تحریم‌ها را پی گرفته‌اند و حتی حاضر شدند آقای استیون فیگین مسئول میز ایران در وزارت خارجه را به کنسول‌گری بصره بفرستند تا صرافی‌ها را کنترل نماید.

۸- بهره‌گیری از سایر پیشران‌های داخلی اقتصادی؛ اساساً همه متفق‌القولند که تنها راه مطمئن برون رفت از این وضعیت تقویت اقتصاد و پیشران‌های داخلی است. بزرگترین نگرانی دولت نقدینگی است که می‌توان با فعال‌سازی ظرفیت‌های داخلی مثل ساخت نیروگاه‌های ۳۰ مگاواتی برق هسته‌ای سود دهی را به بخش خصوصی واگذار کرد.

۹- پیمان‌های دوجانبه با شرکای منطقه‌ای و اقتصادی؛ کشورهایی مانند قطر، ترکیه، روسیه و چین در این مورد دارای پتانسیل‌های خوبی هستند. کمک ایران به ترکیه و نجات اردوغان از کودتای آمریکایی، امروز خودش را در قالب تضمین امنیت غذایی کشور در شرایط خطیر نشان می‌دهد یا اختلاف قطر با ائتلاف عربی و غربی می‌تواند ظرفیت خوبی در اختیار ما قرار دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد دغدغه اصلی مردم در حوزه معیشت است که با اقدامات راهبردی از قبل و تضمین‌های امنیت غذایی می‌توان این مرحله را پشت سر گذاشت. همین که دولت در پرداخت یارانه‌ها و آرام‌سازی بازارهای اصلی در حوزه غذایی موفق بوده نشان از موفقیت در شرایط خطیر نیز دارد.

۳- چرا روسای جمهوری اسلامی ایران پس از پایان دوره ریاست جمهوری رویکرد اپوزیسیونی پیدا می کنند؟

سوال از چرایی اتخاذ رویکرد اپوزیسیونی از سوی روسای جمهوری اسلامی ایران پس از دوره ریاست جمهوری، سوال مهمی است که با گونه ای از فراوانی و توزیع مدیریت شده در سطح نخبگی و دانشجویی و تعمیم آن از طریق رسانه ها به سطح عمومی جامعه روبرو است و از دو منظر سیاسی و حقوقی می توان به آن پرداخت.

مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل تفکیک قوا اصل پذیرفته شده ای است که قوای حاکم زیر نظر رهبری و ولایت فقیه به اداره و سامان امور کشور می پردازند. به نظر می رسد طراحان این سوال - یا از سر ناآگاهی یا با جهات سیاسی - دنبال ایجاد این تلقی هستند که قانون اساسی جمهوری اسلامی ماهیت دوگانه و متضادی را دارا بوده و مشکلاتی از این قبیل در اثر این دوگانگی است. این تلقی از بررسی مقایسه ای اختیارات و وظایف روسای جمهور دنیا با رئیس جمهوری اسلامی ایران است. طبعاً آنها در اثر این مقایسه در ذیل عنوان ریاست جمهوری وظایف و اختیاراتی از جنس اجرایی همانند وظایف پست نخست وزیری را می بینند و بخشی از اختیارات روسای جمهور در نظام های ریاستی را در اصل ۱۱۰ جز اختیارات رهبری می یابند و لذا «ابهام در قانون اساسی، اختیارات گسترده رهبری، دخالت او و نهادهای نظامی و قضایی وابسته به وی در کار رئیس جمهور و محدودیت قدرت ریاست جمهوری و مجلس با توجه به مسئولیت های این دو نهاد» را دلایل اختلاف نظر روسای جمهور با نظام و رویکرد اپوزیسیونی آنها می دانند.

این در حالی است که اولاً و اساساً نظام سیاسی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه با نظام های ریاستی و پارلمانتاریستی معمول دنیا متفاوت و دارای ساختار و نظام جداگانه ای است که با رأی بیش از ۹۸ درصدی به تایید مردم رسیده و مسلماً باید در مراجعه به آن ورای نگاه بخشی، باید آن را به صورت یک منظومه دید. ثانیاً، روسای جمهور محترم با همین قانون و ملاحظه همین اختیارات و وظایف از مردم برای ریاست جمهوری رأی گرفته اند و مسلماً مردم نیز در چارچوب همین قانون از آنها انتظار دارند. ثالثاً، طرح این سوال به صورت کلی غلط بوده و استثنائاتی چون شهید رجایی و رهبری در زمان ریاست جمهوری برای نقض کلیت سوال وجود دارد. این دو بزرگوار اگر هم اختلاف نظری در حوزه اجرایی پیدا می کردند، مطابق با اصل پنج قانون اساسی نظر امام را مقدم بر نظر خود می دانستند و هیچ گاه در مقابل امام رویکرد مخالف در پیش نگرفتند.

اما اگر بخواهیم در واریسی دلایلی برای تبیین اختلافات معمول روسای جمهوری مانند هاشمی، خاتمی، احمدی نژاد و روحانی با رهبری و نظام در پاره ای موارد نظر بدهیم، می توانیم به برخی موارد زیر اشاره کنیم:

۱- فضای باز سیاسی در جمهوری اسلامی و ابراز دیدگاه‌های مختلف این تلقی را ایجاد کرده است که روسای جمهور رویکرد اپوزیسیونی دارند، در حالی که باید بین دو نوع اپوزیسیون تفکیک قائل شد؛ رویکرد اپوزیسیونی در حوزه کارکردی که غالباً در ایران آنچه مشاهده می‌شود در این راستاست و این از باب بهبود شرایط و انجام بهینه برنامه‌ها و سیاست‌ها نه تنها اشکالی ندارد، بلکه مستحسن نیز هست. اما رویکرد اپوزیسیونی دیگر که رویکرد نسبت به اصل نظام است که معمولاً در اختلاف نظر داخلی‌ها جایی ندارد و بیشتر جریان‌ها و افراد مخالف اصل انقلاب آن را به مسئولان ایرانی نسبت می‌دهند که در مقدمه پرداخته شد.

۲- گاهی این موضوع از سوی مسئولان اجرایی نیز طرح می‌شود که بیشتر در راستای فرافکنی مسئولیت‌ها و فرار از پاسخگویی در برابر مشکلات است. مطالبات بر زمین مانده مردم در اثر رویکردهای غلط یا وعده‌هایی است که روسای جمهور در ایام تبلیغات انتخاباتی به مردم داده‌اند و در ایام خدمت قادر به انجام آنها نیستند، اما باید پاسخی به مردم بدهند، در چنین موقعیتی دیواری کوتاه‌تر از نظام و انداختن تقصیرها به گردن ساختار قانونی پیدا نمی‌کنند.

۳- هوای نفس فردی و نفع جناحی؛ در موارد معدودی اختلاف نظرهای روسای جمهور با نظام به دلیل پیگیری نفع شخصی یا منفعت جریانی و گروهی از سوی آنهاست و مشکل و اختلاف ساختاری تنها بهانه و پوششی می‌شود برای دعوای شخصی؛ چرا که وظایف و اختیارات ریاست جمهوری در قانون مشخص و روشن است و اختلافات یا به دلیل تحریک جناحی و مطالبه اختیارات بیشتر به وجود می‌آید، همانند آنچه آقای خاتمی در لوایح دوگانه پیگیری می‌کرد و یا به علت نفع شخصی که می‌توان احمدی نژاد را مصداق امروزین آن دانست که متوهم شده است که بیش از همه مسئولان مورد توجه مردم قرار دارد و می‌تواند ناجی مردم در شرایط کنونی باشد.

۴- چرا با وجود اینکه آمریکا با عهدشکنی از برجام که حاصل ۲۳ ماه نشست و برخاست مذاکره‌کنندگان ایران با اعضای ۵+۱ بود خارج شده و اروپا هم تضامین کافی نداده باز هم ایران از برجام خارج نمی‌شود؟

زمینه‌سازی برای خروج ایران از برجام یکی از سناریوهایی است که همواره آمریکایی‌ها دنبال کرده‌اند تا بسترهای برخورد قانونی با ایران را در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی فراهم نمایند. در این راستا، برخی از کارشناسان حتی معتقدند که یکی از انگیزه‌های خروج آمریکا از برجام همین بوده است. بنابراین موقعیت خروج آمریکا از برجام با خروج احتمالی ایران از آن متمایز است. ضمن اینکه امروز اگر روسیه و چین و اروپا ولو به صورت نیم‌بند از ایران حمایت می‌کنند به دلیل همین حفظ برجام است. این موضوع در دیدار رهبری با هیات دولت و دستور به سازمان انرژی هسته‌ای برای بازگشایی برخی از کارکردها و اقدامات مانند فعال‌سازی یو سی اف اصفهان با تاکید بر حفظ چارچوب برجام در همین راستا قابل تحلیل است.

در ثانی این طور هم نیست که اروپا هیچ کاری انجام نداده باشد، بله اروپا در فعال سازی شرکت های بزرگ چند ملیتی اروپایی که بیش از ۴۰ درصد سهام آنها متعلق به امریکایی هاست برای برقراری مرآوده تجاری و بازرگانی با ایران مشکل دارند و خود به آن اذعان کرده اند، اما با توجه به اقدامات و اگرایانه ترامپ در قبال اروپایی ها در بحث تعرفه های گمرکی، خود آنها نیز تمایل دارند مقابل ترامپ بایستند و به همین دلیل هم شرکت های متوسط و کوچک اروپایی را فعال و تشویق می کنند تا در ایران سرمایه گذاری کنند و حتی بازگشت سرمایه آنها را تضمین هم کرده اند. نکته دیگر، بحث درباره آورده خروج ایران از برجام است. در حالی آمریکا دنبال همین امر است تا ترک بزرگ اجماع و ائتلاف جهانی علیه ایران را ترمیم کند چه سود و فایده ای برای خروج از برجام متصور است؟ ضمن اینکه تصمیم گیری در نظام ولایت فقیه مبتنی بر رهیافت هزینه - فایده بوده و سیستم سیاسی ما عقلایی تر از این است که با هیجان و دست پاچگی تصمیم بگیرد. اگرچه دولت از حیث اعلامی و در راستای اتمام حجت به اروپایی ها در عرصه سیاسی اعلام کرد که اگر اروپایی ها نتوانند منافع ما از برجام را تضمین کنند، ماندن در برجام بی فایده است که در همین حد نیز موجب نگرانی کشورهای دیگر به غیر از آمریکا، رژیم صهیونیستی و سعودی ها شد، اما باید توجه داشت که اعمال آن سیاست نیازمند تامل و پیامدسنجی جدی تری است.

۵- باتوجه به عملکرد ضعیف دولت کنونی در اداره اقتصادی و اجرایی کشور، نحوه مواجهه با دولت چگونه باید باشد؟

مسائل و معضلات پیش آمده برای مردم در بخش اقتصادی و معیشتی، ذهن ها و انگشت اشاره را متوجه دولت کرده است؛ انتظار نیز آن است که قوه مجریه با استفاده از ابزارها و امکاناتی که در اختیار دارد برای حل مسائل مردم اهتمام داشته باشد و در این زمینه از هیچ تلاشی فروگذار نکند. بنابراین در اینکه مردم، دولت را مسئول حل بخش عمده ای از مسائل و مشکلات اقتصادی و معیشتی خود بدانند طبیعی است. اما شدت گرفتن و استمرار پیدا کردن التهابات اخیر در حوزه ارز و طلا و گرانی باعث شده تا بخشی از مردم نسبت به دولت نگاه تندتری پیدا کنند. در این زمینه دو نگاه و رویکرد مطرح شده است:

۱- در رویکرد نخست برخی بر این اعتقاد هستند که دولت بدلیل آنکه نتوانسته مطالبات و تقاضاهای مردم را مدیریت کند و به مسائل معیشتی مردم پاسخ معتبر و اقناع کننده دهد، خود باید استعفاء دهد و فرصت انتخاب دیگری را برای مردم قائل شود و اجازه دهد که مردم دولتی کارآمد و توانمند را برگزینند. این رویکرد همچنین بر این باور است، چنانچه دولت خود به مبادرت به استعفاء و کناره گیری نکرد، مجلس از ابزار استیضاح استفاده کند و به عنوان نمایندگان مردم از حقوق آنها صیانت نماید.

۲- رویکرد دوم معتقد است که از قضا چون دولت دچار ضعف های درونی است، باید همه دستگاهها و گروهها مسیر حمایت از دولت را در پیش بگیرند. در این میان مهم ترین و اثرگذارترین سطح حمایت و همکاری از دولت، نشست هم فکری مسئولان قوای سه گانه است؛ کاری که هم اکنون به دستور رهبر انقلاب در حال انجام است. مشکل اساسی که در رویکرد نخست وجود دارد در دو بخش قابل احصاء است. یکی آنکه اولاً دولت هنوز به مرحله ناتوانی و بن بست در اجرای ماموریت ها نرسیده است، هر چند توان اقدام و کار بهتر از آن چه که هم اکنون انجام می دهد را دارد. دولت، ابزارها و امکانات فراوانی برای پاسخگویی به مشکلات مردم در اختیار دارد و با استفاده صحیح از آنها می تواند تا حد زیادی بر مشکلات فائق آید. نکته دوم اینکه امروز ثبات و آرامش، نیاز ضروری و فوری جامعه ماست. طبیعی است که رفتن کشور به سمت استعفاء و استیضاح، بر خلاف آرامش و ثبات کشور است و خود این وضعیت با توجه به شرایط سیاسی خاص کشور، تشدید کننده معضلات و مشکلات اقتصادی کشور خواهد شد؛ ضمن اینکه کنار رفتن یا کنار گذاشتن دولت و استقرار دولت بعدی، خود محتاج زمان طولانی و کسب آمادگی زیادی می باشد که در شرایط حساس کنونی که زمان اهمیت زیادی دارد، به مصلحت نیست. از این رو هزینه های استعفاء و استیضاح به مراتب بیشتر از منافع آن است و لذا این گزینه بر خلاف مصالح و منافع کشور تلقی می شود و در اولویت نیز نمی باشد.

با این شرایط در حال حاضر بهترین مسیر و شیوه برای مواجهه با دولت کنونی که تأمین کننده منافع ملی نیز است، همکاری و حمایت از دولت متناسب با اقتضائات سرنوشت ساز و تعیین کننده ای است که هم اینک با آن روبرو هستیم؛ البته این به معنای بیان نکردن نقدهای دلسوزانه و توأم با راهکارهای عالمانه نیست. به نظر می رسد بهترین روش برای برون رفت از وضعیت کنونی ایجاد هماهنگی بین تیم اقتصادی با رویکرد ترمیم کابینه از سوی خود دولت است و در این شرایط جنگ اقتصادی پرشدت باید کابینه ای شکل بگیرد که بتواند با نگاه به ساخت درونی قدرت ظرفیت های اقتصادی را آزاد نماید تا بتوانیم از این مرحله به آرامی عبور کنیم. بنا به اقرار و اعتراف مسئولین آمریکایی اگر ایران چند ماهی بتواند تحریم های جدید را مدیریت کند، اثربخشی تحریم ها برای همیشه از بین خواهد رفت و دیگر نمی توان با سلاح تحریم ایران را تحت فشار سیاسی قرار داد.

۶- با توجه به ادعاهایی که رسانه های بیگانه درباره عقب نشینی ایران از سهم خود در دریای خزر مطرح می کنند، توضیح دهید که منافع و حقوق جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر چه وضعیتی پیدا کرده است؟

رژیم حقوقی دریای خزر پر مناقشه ترین مسأله میان کشورهای ساحلی این دریا طی دهه های اخیر محسوب می شود. همزمان با برگزاری نشست سران کشورهای حاشیه خزر در آکثائو قزاقستان، موضوع سهم ایران در دریای خزر به بحث

داغ روز کشور تبدیل شد. فضای مجازی مملو از انتقاد به "فروختن خاک" (در این جا آب) وطن به همسایگان شمالی و "نقض تمامیت سرزمینی" گردید و دریای خزر به ترند توییتر فارسی تبدیل شد. در شبکه های اجتماعی مطلب دروغ بی بی سی فارسی که در گفت و گو با یک کارشناس روسی صحبت از سهم ۵۰ درصدی ایران و خیانت دولتمردان گذشته به میان آورده بود، با تعبیر مختلف نظیر ترکمانچای دوم، قرارداد ننگین ۲۱ مرداد ۹۷ و... انتشار یافت.

در این هیاهو کسی گوشش بدهکار این حرف نبود که در عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی که اسناد حقوقی پایه ای دریای خزر قبل از کنوانسیون اخیر میان ایران و شوروی سابق می باشد، سخنی از درصد و تقسیم دریای خزر به میان نیامده و مهمتر اینکه بحث منابع نفتی و گازی دریای خزر نیز مطرح نشده است. تنها بر اساس فصل ۱۱ عهدنامه ۱۹۲۱ طرفین رضایت داده بودند که بالسویه حق کشتیرانی آزاد در زیر پرچم های خود در دریای خزر داشته باشند و در مواد ۱۲ تا ۱۵ عهدنامه ۱۹۴۰، حقوق ایران و شوروی برای کشتیرانی در دریای خزر بررسی و حد ۱۰ مایل دریایی برای ماهیگیری در نظر گرفته شود. علاوه بر این، سهم ۵۰ درصدی ایران در خزر به لحاظ جغرافیایی نیز قابلیت تحقق نداشته و امکان پذیر نمی باشد، زیرا در آن صورت دو کشور آذربایجان و ترکمنستان می بایست با استفاده از دیوار و نرده ای از دریای خزر جدا شوند.

مثال فوق از جنس مشت نمونه خروار است. از این رو باید فضایی باز شود تا صدای کارشناسان به گوش مردم برسد و مردم نیز تحت تاثیر فضای مجازی از اظهار نظرهای احساسی و خلاف واقع پرهیز نمایند. البته اینکه افکار عمومی نسبت به مقوله تمامیت ارضی خود در دریای خزر حساسیت دارد، امری قابل ستایش است، ولی باید توجه داشت، آن گاه که این موضوع با فهم غیر کارشناسی و عامیانه توأمان گردد، در نهایت موجب تزریق روحیه یأس و ناامیدی در جامعه و عدم اعتماد به مسئولین می گردد.

اما اینکه واقعیت کنوانسیون حقوقی دریای خزر چیست؟ اگرچه شرح این سند مفصل است، اما اجمالاً باید توجه داشت که کنوانسیون دریای خزر از نقاط ضعف و قوت برخوردار است و مواجهه با آن با نگاه صفر و صدی صحیح نیست. واقعیت این است که تا این مرحله، هیچ تعیین درصد یا سهمی از دریا صورت پذیرفته و جمهوری اسلامی ایران همچنان از حقوق حاکمه بیست درصدی خود در خزر برخوردار است. این سند کلیات و اصولی اساسی را درباره ابعاد مختلف دریای خزر در بر گرفته و دو موضوع مهم و حیاتی یعنی "تعیین خط مبدا" و "تحدید حدود بستر و زیربستر" به دلیل اختلافات موجود، از دستور کار این کنوانسیون خارج و به مذاکرات آینده سپرده شده است.

از نکات مثبت این سند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- به رسمیت شناخته شدن خزر به عنوان "دریاچه" که بر اساس آن مسائل این دریا تنها با "اتفاق نظر پنج کشور ساحلی" اجرایی می گردد.

- ۲- اشاره به حضور همه طرف ها در موافقتنامه تعیین خطوط مبدا مستقیم و در نظر گرفتن شکل ساحلی خاص یک کشور که تعیین آبهای داخلی اش را در وضعیت نامساعدی قرار می دهد.
- ۳- عدم امکان حضور قدرت های بیگانه در خزر.
- ۴- ممنوعیت استقرار پایگاه نظامی قدرت های بیگانه در قلمرو کشورهای ساحلی.
- ۵- انعکاس موارد مندرج در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در زمینه کشتیرانی و ماهیگیری.
- ۶- همکاری و تعهد در موضوعاتی نظیر سامانه بوم زیستی، تحقیقات علمی دریایی، مبارزه با تروریسم، قاچاق اسلحه، صید غیرمجاز و..

۷- چرا رهبری در برخورد با مفاسد اقتصادی ورود نمی کنند؟

اگر دقت کنید درمی یابید ایشان به صورت علنی ورود جدی در این موضوع دارند، حتی خودشان در دیدار عمومی این نکته را بیان کرده و پاسخ دادند که مطرح می شود چرا رهبری ورود نمی کند؟ خودشان می گویند آنچه ایشان در این موارد به صورت علنی بیان می کنند حتی یک دهم پیگیری ها و صحبت هایی نیست که به صورت غیر علنی و حتی تویخ از مسئولان انجام می دهند!

ایشان در دیدار با وزرا و هیئت دولت و تیم های گوناگون در راستای حل مشکلات کشور ورود جدی دارند و نقشه راه را ترسیم می کنند؛ ولی مشکل این است که دستگاه های ما این سیاست های رهبری و تدابیرشان را جدی نگرفته و دقیق اجرا نمی کنند. شاید گاهی هم از انجام این کار ناتوان باشند؛ زیرا به هر حال مجموعه هایی که باید به این سیاستها و تدابیر عمل کنند، منتخب مردم هستند و مردم، دولت را انتخاب می کنند، این دولت افراد را به صورت وزیر معرفی می کند و وزرا از سوی نمایندگان مجلس که منتخب مردم هستند، رأی اعتماد می گیرند؛ به این ترتیب منتخبان مردم هستند که در واقع باید اجراکننده این سیاستها و تدابیر باشند، پس این طور نیست که رهبر معظم انقلاب اگر کار یا تدبیری را از وزیری مطالبه کردند و آن وزیر به این خواسته بموقع پاسخ مثبت نداد، ایشان دستشان باز باشد که وزیر را جابه جا کنند؛ چون سازوکاری که فردی بخواهد وزیر را جابه جا کند در قانون تعریف شده و رهبر معظم انقلاب بر اساس جایگاه خودشان که در قانون اساسی بیان شده، مطالبه کرده و بعضاً در جلسات علنی و عمومی مطرح می کنند.

شاید برخی این گونه تصور کنند که رهبری خودشان عملاً باید وارد کار شوند. رهبری اگر بخواهند کاری کنند، باید مبتنی بر قانون باشد و قانون اساسی دخالت مستقیم در کارهای اجرایی را وظیفه دولت می داند. ضمن اینکه مداخله ایشان در امور اجرایی کشور با قانون اساسی مغایرت دارد، از حیث سیاسی نیز اگر رهبری در ریز مسائل اجرایی وارد شوند همین جریان ها و رسانه هایی که از بیرون مرزها تا در داخل این سوال و شبهات را راجع به رهبری در جامعه تولید و توزیع می کنند وی را به دیکتاتوری و این که در اختیارات قانونی نهادها و قوای دیگر مداخله می کنند متهم خواهند کرد. به نظر می رسد، اگر در رویکردها و جهت گیری های رهبر معظم انقلاب دقت کنیم، در می یابیم ایشان بیشترین اهتمام را برای حل مسائل جامعه و حل مشکلات مردم دارند.

۸- در حالی که ریشه مشکلات اقتصادی به ضعف عملکرد دستگاه اجرایی برمی گردد، چرا در تجمعات اعتراضی بیشتر شعارها علیه نظام و رهبری است؟

۱- یکی از اهداف اصلی دشمنان انقلاب اسلامی در تحمیل جنگ اقتصادی به کشور، زدن نقاط قوت نظام به منظور کنترل روند قدرت یابی و قدرت سازی کشور است که مهم ترین آنها اصل متری ولایت فقیه و مصداق آن شخص رهبر معظم انقلاب است.

۲- برنامه ریزی گروهک های ضد انقلاب به منظور راه اندازی تجمعات اعتراضی و حضور فعال آنها در این آشوب ها سبب جهت دهی مطالبات مردم به سمت شعارهای سیاسی می شود. نتیجه و تأثیر این حضور را می توان در سر دادن شعارهای ضد نظام و رهبری مشاهده کرد.

۳- البته نباید از نظر دور داشت که ناکارآمدی دستگاه های گوناگون سبب سرریز شدن آن به سمت کلیت نظام می شود و به تعبیر رهبر معظم انقلاب مردم نظام را یک کل یکپارچه می بینند و اجزای آن را تفکیک نمی کنند. از این رو افکار عمومی نارسایی در یک بخش را محصول ضعف نظام تلقی کرده و مطالبات خود را متوجه کلیت آن می کند.

۹- در حالی که بخشی از نارضایتی مردم به عملکرد دستگاه قضایی باز می گردد، علت تغییر ندادن رئیس قوه قضائیه چیست؟

تغییر رئیس دستگاه قضا بر اساس قانون زمان بندی خاص و مشخصی داشته و مطابق با آن این تغییر صورت می گیرد. تمديد دوره مسئولیتی برخی از اشخاص در این سمت نیز وفق قانون و بر اساس مجموعه عملکردها صورت می گیرد. نفس تغییر اشخاص به مفهوم افزایش بهره وری و کارآمدی یک مجموعه نبوده و عقلاً و منطقاً چنانچه تغییر و تعویض مسئولان نتواند در روند بهبود وضعیت یک مجموعه مؤثر باشد، اقدامی عبث و چه بسا به دلیل تجارب مسئول فعلی سبب هدر رفت هزینه ها و تحمیل اشکالات جدیدتر ناشی از کسب تجربه برای مسئولان جدید شود.

اگرچه همه مسئولان نقاط قوت و ضعفی دارند؛ اما در دوره ریاست آیت الله آملی لاریجانی شاهد اتفاقات خوبی در این مجموعه بوده ایم که از مصادیق بارز آن قاطعیت بیشتر در برخورد با مفساد اقتصادی به ویژه دانه درشت ها از جمله منسوبان به دولت های گذشته و دولت فعلی در حد معاون اول و وابستگان درجه یک رئیس جمهور و معاونان است. صدور حکم اعدام برای سه تن از مفسدان بازار ارز و طلا که در هفته های اخیر وضعیت اقتصادی کشور را بهم ریخت از مصادیق تازه اقدام قوه محسوب می شود که باید با دقت و عدالت به روند رسیدگی ها سرعت داد. همچنین در این دوره برخورد با فساد درون سیستمی به شکل بی سابقه ای افزایش یافته و نتایج بسیار خوبی داشته است.

بخشی از اعتراضات علیه مسئولان دستگاه قضایی سیاسی و بخشی نیز ناشی از عملکرد آن بوده که در طول چهل سال گذشته مشاهده شده و این اعتراضات صرف نظر از شخصیت مسئول در آن قوه ثابت و مستمر بوده است؛ زیرا به طور طبیعی از هر دو نفری که به این دستگاه مراجعه می کنند، یکی راضی و دیگری ناراضی است و اصحاب قدرت و دانه درشت ها هنگام در معرض قرار گرفتن اتهام، به سادگی عبور نکرده و جنجال آفرینی می کنند که مصداق بارز آن در مناقشات رئیس دولت سابق هنگام رسیدگی به پرونده های بقایی و مشایي مشاهده شد.